گزارش نقد و بررسی داستان مریم مطهری‌راد در کتابخانه مرکزی پارک‌شهر

«سفر به آتش» لکنت ندارد

صابره سلمانیان
خبرنگار

بیست و دومین نشست نقد و بررسی کتاب پایگاه ماهانه بزرگسال کتابخانه مرکزی پارک‌شهر با بررسی داستان «سفر به آتش» با حضور مریم مطهری‌راد (نویسنده) و تیمور آقامحمدی (منتقد) با همکاری کتابخانه امام جعفر صادق(ع) قم برگزار شد.

مطهری‌راد در ابتدای این نشست درباره روند نگارش این داستان توضیحاتی ارائه کرد و گفت: من ۱۵ سال روزنامه‌نگار بودم و تلاش کردم از تجربیات این حرفه در نگارش رمان استفاده کنم.

وی با بیان این‌که تلاش کرده روایت داستانش واقعی باشد، افزود: باید خیلی مراقب بود که وجه سرگرمی در داستان حفظ شود اما از سوی دیگر من هم تلاش کردم در کتاب، اندیشه با این وجه سرگرمی همراه شود. در قصه می‌شود حرف زد اما این حرف‌ها را می‌توان نقد و قضاوت کرد. در رمان می‌شود تخلیه شد و خوشحالم که در این عرصه می‌توانم اندیشه‌ورزی کنم.

اندیشه داشتن در یک رمان سخت است

تیمور آقامحمدی درباره این داستان گفت: نوشتن رمان در دوره‌ای که ما زندگی می‌کنیم سخت است چون آداب و تشریفاتی را می‌طلبد که گاهی زندگی پرشتاب معاصر، فرصت کمی را برای نگارش رمان می‌دهد. ازسوی دیگر طی ۱۰۰ سال اخیر گرایش بیشتر به داستان کوتاه بوده است. این کتاب برآمده از یک اندیشه، نظر و نوعی تفکر است؛ گویی نویسنده حرفی برای گفتن دارد که لازم بوده از طریق رمان با ما حرف بزند.

آقامحمدی ادامه داد: آموختن مهارت داستان‌نویسی دشوار نیست اما اندیشه داشتن در یک رمان سخت است. از این منظر خیلی خوشحال شدم که نویسنده کتاب در این راه قدم برداشته و مسأله‌مند است.



نویسنده می‌داند از این متن چه می‌خواهد و چگونه داستان را بیان کرده و از چه شیوه‌هایی استفاده کند؛ برای این‌که خودش باشد و از تجارب خود بهره بگیرد برای این‌که جهان داستانی برای ما بسازد.

این منتقد یادآور شد: این کار بزرگی است که نویسنده بتواند اسطوره شخصی خود را بسازد و مشخص باشد در چه محدوده و مکانی قدم برمی‌دارد. البته متنوع نوشتن منافات این حرف من نیست. من تسلط نویسنده را بر متن خوب ارزیابی کردم و مؤلف نثر پاکیزه و فکر شده‌ای داشت. از سوی دیگر این نثر مخاطب را مرعوب نمی‌کرد و خیلی نمود بدی نداشت و این نثر آمده بود که کارش را انجام دهد.

وی با بیان این‌که در کتاب ماجراسازی خوبی رخ داده است، بیان کرد: در برخی کتاب‌ها اتفاقات جذابی بیان



می‌شود اما تاثیر آنها برهم خیلی دیده نمی‌شود اما در این کتاب همه عناصر در ارتباط با هم هستند و تمام عناصر این کتاب یک کل منسجمی را تشکیل می‌دهند.

منتقد اثر با اشاره به شخصیت‌پردازی کتاب گفت: این بخش ثمرات خوبی داشته اما آسیب‌هایی هم داشته است. راوی کتاب هم سوم شخص است. عموما رمان‌های فارسی به‌صورت پیش‌فرض من راوی هستند و به‌سراغ روایت سوم شخص، کار جسورانه‌ای است.

آقامحمدی در ادامه با مقایسه رمان حاضر با رمان تهوع «سارتر» عنوان کرد: آن بخش‌هایی که در رمان تهوع است و گسترش عرضی دارد، در این کتاب هم دیده می‌شود اما اگر قرار است نسبت عرضی و طولی را مقایسه کنیم، گسترش عرضی زیاد است، چون شخصیت اصلی کتاب ارسلان کشمکش‌های درونی زیادی دارد و می‌خواهد از درون خودش به برون نگاه کند و به همین دلیل این رفت و برگشت نیازمند گسترش عرضی است. از سوی دیگر من فکر می‌کنم اینجا می‌توانست روایت داستان سرعت بیشتری پیدا کند و پویاتر باشد.

آقامحمدی با بیان این‌که این اثر بدون لکنت زبان درباره مسأله‌اش سخن می‌گوید، یادآور شد: گاهی ما برای این‌که فکر می‌کنیم در دام شعار نیفتیم از موضوع اصلی درگیر می‌شویم و همه اینها را می‌آوریم که حرف اصلی را نزنیم. این گفت‌وگو کردن در داستان است و این در دیالوگ‌های شخصیت‌ها و عملکردهای آنها وجود دارد و آنها درباره مشکلات خود حرف می‌زنند و این دیالوگ همیشه در بین ما غایب است و این نقطه مثبت این داستان است.

کتاب درباره جهان‌وطنی و شکستن مرزها حرف می‌زند

وی با اشاره به این‌که کتاب درباره جهان‌وطنی و شکستن مرزها حرف می‌زند و این یکی از نقاط خوب این اثر است، بیان کرد: ارسلان از ابتدا تا انتها خودش را می‌کوبد و از نو می‌سازد و یک رنسانسی در او شکل می‌گیرد و باور او در ابتدای اثر با انتهایش فرق می‌کند؛ گویی خودش را در کوره حوادث می‌اندازد برای این‌که گداخته شود و به ارسلان پایان کتاب برسد.

آقامحمدی گفت: کارکرد رمان همین است و قرار است انسان اولیه با انسان ثانویه با توجه به تحولات متفاوت باشد. این در شخصیت‌های اصلی کتاب است. همه افراد چیزهایی را می‌خواهند به‌دست بیاورند که داستان را شکل می‌دهند؛ در پایان اما هر کسی با خواسته‌اش تعیین‌تکلیف می‌کند و نشان داده می‌شود خواسته اولیه با پایانی چقدر متفاوت است.

بخش‌های دیگر این نشست به اظهارنظر حاضران درباره کتاب اختصاص داشت که در این بخش به نثر بسیار روان و جذاب کتاب اشاره شد. این‌که فصل‌های نخستین کتاب بسیار جذاب نگارش شده و نویسنده از کلمات خوبی برای بیان داستان استفاده کرده بود. برخی از اعضای کتابخانه امام صادق(ع) از شهرستان قم خوانش خود را از این اثر در بستر فضای مجازی ارائه کردند و بر این موضوع صحه گذاشتند که کتاب به یکی از مسائل روز ما اشاره می‌کند که آن اتحاد بین مسلمانان است.



رونمایی

منتظر دستورالعمل نباشیم!

در آستانه هفتمین سالگرد عروج محمد احمدی جوان، اولین و تنها شهید مدافع حرم ایرانی استان بوشهر، مراسم رونمایی از کتاب «چهل روز انتظار»، زندگینامه داستانی این شهید بزرگوار در حسینیه ابالفضل العباس روستای باشی استان بوشهر برگزار شد. در این مراسم که به همت کتابشهر بوشهر، نویسنده، دوستان محمد و جوانان روستای باشی و با همراهی انتشارات روایت فتح در حضور گرم و پرشور مردم روستای زادگاه محمد برگزار شد، مهمان ویژه‌ای فضا را عطرآگین کرد. حضور غافلگیرکننده شهیدی گمنام محفل صمیمی محمد را دوست‌داشتنی‌تر کرد.

بوشهر با رئیسعلی دلواری‌هایش اثبات شده است

در ابتدای مراسم مهدی محمدخانی، مدیر انتشارات روایت فتح، بوشهر را خطه رئیسعلی دلواری دانست و افزود: این شهر مهد پرورش رئیسعلی‌ها و احمدی جوان‌هاست و با چنین جوانمردهایی خود را به اثبات رسانده است؛ حالا نوبت ماست که برای این شهدا قلم بزنیم و راهشان را ادامه دهیم.

دانه‌های تسبیح گرد هم آمدند

در ادامه مراسم نویسنده کتاب، مونس عبدی‌زاده از حضور شهید در لحظه‌لحظه مصاحبه و تألیف کتاب و از مددرسانی‌های نابهنگام او گفت. از جمع شدن دوستان محمد از شهرها و استان‌های مختلف و پای کار مصاحبه آمدن‌شان گفت و این‌که محمد خودش این دانه‌های تسبیح را کنار هم آورد. وی افزود: بالاترین حسرت من نبود دوربین فیلمبرداری هنگامی بود که هریک از دوستان محمد با عشق و اشک از او خاطره می‌گفتند و لحظاتی قبل از شهادتش را توصیف می‌کردند.

منتظر دستورالعمل نباشیم!

محمد قاسمی‌پور، فعال حوزه تاریخ شفاهی و منتقد ادبی، مهمان ویژه این مراسم بود که گفت: شما کار زینبی کردید. ما باید کار زینبی را یاد بگیریم و منتظر دستورالعملی نباشیم. من خوشحالم که روستای باشی در حاشیه همیشه نیلگون خلیج فارس این اراده را دارد که شناسای شهدایش باشد. به‌عنوان کسی که حدود ۱۸ هزار کتاب در این حوزه خوانده، باید بگویم کتاب چهل روز انتظار از معدود کتاب‌هایی است که فرهنگ و محیط زیست و رشد و نمو شهید را به خوبی نشان داده. من با مطالعه این کتاب، تشنه این زیستگاه شدم. توجه خوب به فرهنگ، آیین و لهجه شهدا مهم است. زبان اکثر کتاب‌ها زبان معیار است. حفظ اصل بیان و لحن راوی در کتاب خانم عبدی‌زاده اصالت دارد. کمتر کتابی است که در آن به روایت اول شخص آن هم خود شهید پرداخته شده باشد و این امتیاز زیادی برای کتاب چهل روز انتظار محسوب می‌شود. تقاضا دارم کتاب را حتما بخوانید.

چشمان ما به مردانه درخشیدن همین جوان‌هایی است که زیر تابوت شهید رفتند و سرود زیبای وطن خواندند.

